

## نظریه ساختار ژئوپلیتیکی در حال ظهور جهان

از: دکتر محمدرضا حافظ نیا

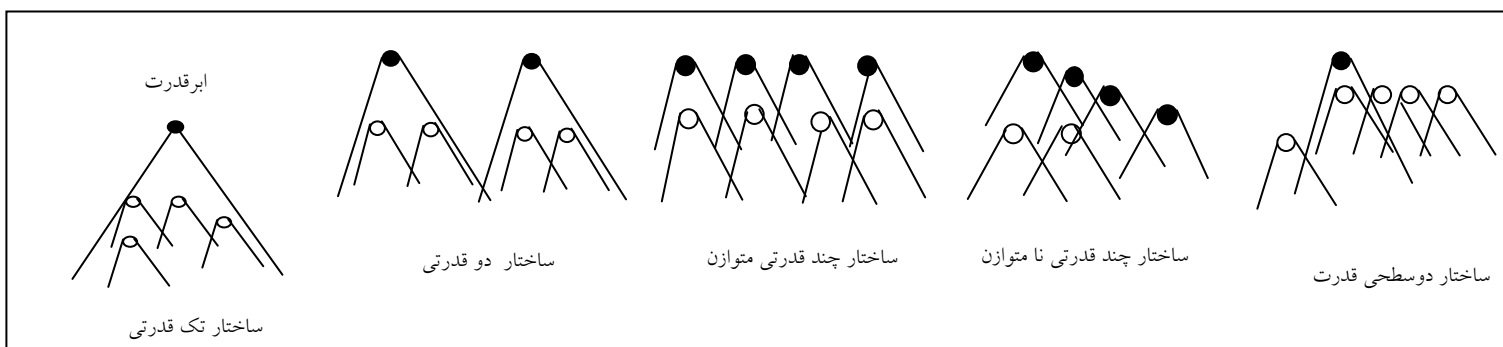
(سر دبیر فصلنامه و استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس)

ساختار ژئوپلیتیکی مفهومی است که از دو بعد برخوردار می باشد، یکی بعد روابط قدرت و دیگری بعد فضایی (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۳۱ و ۱۳۵).

-از حیث روابط قدرت، ساختار ژئوپلیتیکی مبین ترکیبات قدرت، نظامهای قدرت، روابط ساختارها و سطوح قدرت با یکدیگر می باشد.

از این منظر در مقیاسهای جهانی و منطقه ای ساختارهای گوناگون قدرت نظیر تک قدرتی، دو قدرتی، چند قدرتی، چند سطحی متوازن، چند سطحی نامتوازن و غیره قابل تصورند (همان: ۱۴۲). در هریک از این ساختارها روابط سلسله مراتبی و سطح بندی قدرت وجود دارد و روابط و اجزای ساختار و نیز سطوح سلسله مراتبی ساختار از وضعیت خاصی برخوردار می باشد (همان: ۱۱۳ و ۱۱۸)، که این امر در الگوهای زیر به نمایش در آمده است:

مدل شماره ۱: ساختارهای گوناگون ژئوپلیتیکی از حیث روابط قدرت



از حیث فضایی، ساختار ژئوپلیتیکی مبین توزیع قدرت در فضای جغرافیایی است. به عبارتی فضای جغرافیایی چه در مقیاس کروی و چه در مقیاس منطقه ای، بین اجزاء و عناصر ساختار توزیع شده و به صورت قلمرو جغرافیایی تسلط، کنترل و نفوذ برای هریک از بازیگران اصلی قدرت در می آید. در واقع در ساختارهای ژئوپلیتیکی، بعد فضائی با بعد روابط قدرت پیوند خورده و بر یکدیگر انطباق می یابند.

ساختارهای ژئوپلیتیکی اساساً از پایداری برخوردار نیستند بلکه این ساختارها دینامیک می باشند. ساختارهای ژئوپلیتیکی هم از بعد روابط و هم از بعد فضایی در حال تغییر و جابجایی می باشند که تاریخ جهان مبین این واقعیت است. زمانی که ساختار ژئوپلیتیکی موجود دچار زلزله و فروپاشی می شود، فرآیند جدیدی برای شکل گیری و استقرار ساختار بعدی شروع می شود. فاصله بین سقوط ساختار موجود و استقرار قطعی ساختار جدید را دوره گذار ژئوپلیتیکی تشکیل می دهد (همان: ۱۴۳). در دوره گذار ژئوپلیتیکی: بی نظمی، ناامنی، فقدان و یا ضعف مدیریت و کنترل منسجم بر فرآیندهای منطقه ای یا جهانی، تجاوز نظامی، ائتلافهای ناپایدار، رقابت شدید قدرتهای مدعی گسترش حوزه نفوذ، ظهور و رشد بازیگران جدید، عدم توازن قدرت، تروریسم ملی و بین المللی، هویت گرایی محلی، منطقه ای، ملی، قومی و نظایر آن توسعه و گسترش می یابد.

در دوره جنگ سرد (۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰)، ساختار ژئوپلیتیکی جهان به لحاظ روابط قدرت، دوقطبی یا دو بخشی بود و به لحاظ فضایی نیز سطح کره زمین بین دو قطب یا دو اردوگاه تقسیم شده بود. در ساختار مزبور، دو قدرت آمریکا و شوروی تحت عنوان ابر قدرت<sup>۱</sup> هر یک از اردوگاهها و قطبهای مزبور را رهبری نموده و قلمرو جغرافیایی مربوطه را در اشکال مختلف حاکمیت، سلطه، و نفوذ مدیریت می نمودند.

با فروپاشی ساختار دو بخشی / دو قدرتی دوره جنگ سرد در سال ۱۹۹۰م، جهان وارد دوره گذار ژئوپلیتیکی شد که در حدود دو دهه ادامه یافت و هنوز این دوره گذار که من از آن به "سیالیت ژئوپلیتیکی" تعبیر نموده ام ادامه دارد (همان: ۵۰). این دوره گذار نسبتاً طولانی باعث بروز مسائل زیادی برای جهان و بشریت شده است که هم اکنون نیز شاهد آن هستیم. در پس این دوره که اشکال مختلفی از سطوح و روابط قدرت را تجربه نموده است به نظر می رسد. ساختار ژئوپلیتیکی جدیدی در حال شکل گیری است که به آرامی در حال توسعه می باشد.

ساختار ژئوپلیتیکی جدید در حال ظهور جهان دارای ویژگی هائی به شرح زیر می باشد:

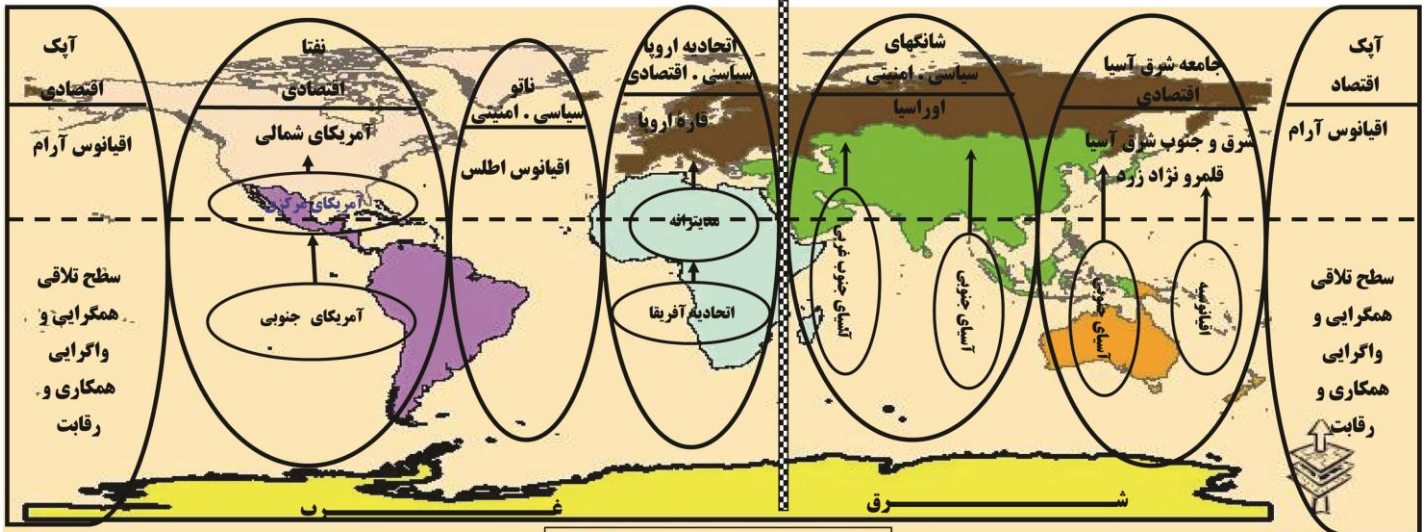
۱. این ساختار دو بخشی است ولی بر خلاف دوره جنگ سرد یک قدرت در موقعیت رهبری هر بخش از ساختار قرار ندارد بلکه یک باشگاه رهبری مرکب از قدرتهای درجه یک و درجه دو در موقعیت رهبری آنها قرار دارند. هرچند در هر کدام از بخشها، ابر قدرتهای سنتی دوره جنگ سرد یعنی آمریکا و روسیه نقش عمده ای را بر عهده دارند.
۲. برخلاف دوره جنگ سرد ماهیت روابط بخشهای این ساختار ایدئولوژیکی نیست. بلکه ساخت بندی جدید قدرت بر پایه انگیزه های مشترک و منافع ملی و جمعی باشگاه رهبری انجام می پذیرد.
۳. ساختار در حال ظهور، بصورت دوبرخشی بسط یافته است بدین معنی که دارای ابعاد، سیاسی، امنیتی و اقتصادی بصورت توأمان است و ابعاد مزبور مکمل یکدیگرند.

1. Super Power

۴. از نظر جغرافیائی، هسته اصلی ساختار در حال ظهور بر بخش شمالی نیمکره شمالی کره زمین (شمال-شمال) تطبیق داشته و جهت جغرافیایی آن شرقی-غربی است.
۵. از بعد فضایی جهان به واحدهای متمایز و متناوب، با هویت و کارکردهای متفاوت تقسیم می شود. هریک از بخشهای مزبور از ساختار مرکز-پیرامون برخوردار بوده، و مرکز آن در بخش شمالی و پیرامون آن در بخش جنوبی و یا نیمکره جنوبی کره زمین قرار دارد. واحدهای مزبور به طور یک در میان از هویت و کارکرد سیاسی-امنیتی و یا اقتصادی برخوردار می باشند.
۶. هریک از بخشهای ساختار و واحدهای اصلی و مرکز-پیرامون آن در قالب نظامهای منطقه ای و سازمانهای بین المللی منطقه ای کوچک و یا بزرگ متشکل شده اند و تمام نظامها و سیستمهای فرعی و اصلی (یا محدود و گسترده) آن به صورت سیستماتیک با یکدیگر پیوند خورده و یک کلیت که همان ساختار ژئوپلیتیکی در حال ظهور است را بوجود می آورند.
۷. کلیت ساختار مزبور دو بخشی است و بنوعی باز ساخت، ساختار دوقطبی دوره جنگ سرد می باشد ولی با هویت، کارکرد، انگیزه، ساختار رهبری و ساختار فضایی متفاوت.
۸. بازیگران و دولتهای هر یک از واحدها و یا اجزای حلقوی ساختار در قالب یک منظومه نسبتا متشکل و برخوردار از منافع، دیدگاهها و مواضع تا حدی مشترک، خود را در حال رقابت با سایر منظومه ها و اجزای بخش رقیب ساختار می بینند. عبارتی منظومه ها و اجزای حلقوی هر یک از دو بخش ساختار که از هویت و کارکرد یکسان برخوردارند با همدیگر رقابت می نمایند و سعی بر توسعه حوزه نفوذ خود در قلمروهای رقیب از سویی و انجام اقدامات بازدارنده در برابر رقبای دیگر دارند. بطور مثال منظومه و حلقه ناتو با منظومه و حلقه شانگهای رقابت میکند، و منظومه های نفتا با اتحادیه اروپا و هر دو مجموعه با شرق آسیا رقابت میکنند. هر چند در شرایطی که مصالح آنها ایجاب نماید بصورت تاکتیکی با همدیگر همکاری نیز می کنند. منظومه اقیانوس آرام نیز بطور خاص می تواند بعنوان قلمرو همکاری و رقابت بین دو بخش ساختار ژئوپلیتیکی جهان کارکردی دوگانه داشته باشد.

## مدل شماره ۲: ساختار ژئوپلیتیکی در حال ظهور جهان

دورنمای ساختار ژئوپلیتیکی دو بخشی در حال ظهور جهان (اوایل قرن ۲۱)



مدل از: دکتر محمد رضا حافظ نیا، ۱۳۸۸  
استاد جغرافیای سیاسی - دانشگاه تربیت

در ساختار ژئوپلیتیکی در حال ظهور جهان که به آرامی در حال شکل گیری است و احتمال وقوع آن نیز وجود دارد، جهان ابتدا به دو بخش یا قلمرو کلی، یعنی غرب و شرق، شامل فضاهای کنترل، سلطه و نفوذ تقسیم می شود که رهبری هریک از دو قلمرو مزبور توسط باشگاهی از قدرتهای درجه یک و درجه دو جهان و با مشارکت قدرتهای ضعیف تر آن صورت می پذیرد. قدرتهای هر باشگاه دارای همجواری جغرافیایی و مواضع مشترک بوده و خود را در برابر و در حال رقابت با قدرتهای باشگاه دیگر می پندارند.

ساختار مزبور دارای شش منظومه یا واحد فضایی حلقوی بوده که به ترتیب از غرب به شرق عبارتند از:

۱. منظومه یا حلقه آمریکا: بخش مرکزی این حلقه را منطقه نفتا و آمریکای شمالی تشکیل می دهد که از ماهیت و هویت اقتصادی برخوردار است و بخش پیرامونی آن آمریکای مرکزی و جنوبی می باشد. آمریکای مرکزی و جنوبی علی رغم تعارضات سیاسی با بخش شمالی، از رفتارهای دوگانه برخوردار است. به دلیل همجواری جغرافیایی، آمریکای مرکزی به سمت آمریکای شمالی و نفتا گرایش داشته و احتمالاً در آن ادغام خواهد شد. ولی آمریکای جنوبی به دلیل فاصله جغرافیایی و هویت لاتینی از لحاظ سیاسی در حال حاضر در برابر آمریکای شمالی قرار دارد، اما بناچار از کنش فضایی با آمریکای شمالی برخوردار می باشد و احتمالاً در آینده نیز روابط، آنها تلطیف خواهد شد.

۲. **منظومه یا حلقه ناتو:** این حلقه از هویت و کارکرد سیاسی-امنیتی برخوردار است و به طور سنتی عامل یکپارچگی و اتحاد اجزا و عناصر غرب در پسرانه ها و دوسوی اقیانوس اطلس شمالی (اروپا و آمریکا) می باشد. حلقه ناتو قلمرو فضایی خود را توسعه داده و بر اساس ضرورت‌های امنیتی، سیاسی و دفاعی سعی بر جذب عناصر غیر غربی ولی همسو با خود دارد (ترکیه و قفقاز و ...). بخش پیرامونی این حلقه اقیانوس اطلس جنوبی است که در حال حاضر فاقد ساختار و کارکرد می باشد. به عبارتی دو سوی این اقیانوس در نیمکره جنوبی، شامل آمریکای جنوبی و آفریقا فاقد ساختارها و تشکیلات منطقه ای می باشد.

۳. **منظومه یا حلقه اتحادیه اروپا:** بخش مرکزی این حلقه را اتحادیه اروپا تشکیل می دهد که از هویت و کارکرد اقتصادی و سیاسی برخوردار است و به سوی یکپارچگی گام بر می دارد. بخش پیرامونی آن را حوزه ژئوپلیتیکی مدیترانه و قاره آفریقا تشکیل می دهد. آفریقا دارای سازمان منطقه ای متشکل ولی کم قدرت در جهان است، اما مدیترانه فاقد آن است. ولی علی رغم وجود تفاوتها و تعارضات و مناقشات درون منطقه ای، در چارچوب گفتمان سازمان منطقه ای مدیترانه، به آرامی حرکت می کند و بازیگران منطقه ای چون فرانسه، اسپانیا، ترکیه، یونان، ایتالیا و... در این راستا تلاش می نمایند. حوزه های مدیترانه و آفریقا به ترتیب به سمت بخش مرکزی حلقه گرایش دارند.

۴. **منظومه یا حلقه شانگهای:** این حلقه از ماهیت و کارکرد سیاسی و امنیتی برخوردار بوده و دارای هویتی اوراسیایی است و از انرژی بالایی برای رقابت با بخش غربی ساختار ژئوپلیتیکی در حال ظهور جهان برخوردار می باشد. بخش پیرامونی این حلقه را دو منطقه یعنی **آسیای جنوب غربی و آسیای جنوبی** تشکیل می دهد. بخش پیرامونی بخصوص جنوبغرب آسیا بدلیل هویت جغرافیائی آسیائی بطور طبیعی، دارای گرایش به سمت بخش مرکزی این حلقه می باشد. در عین حال منطقه آسیای جنوب غربی بدلیل موقعیت و ظرفیتهای ژئوپلیتیکی بویژه انرژیهای فسیلی، در حوزه کشش سایر منظومه ها بویژه حلقه و منظومه غربی خود یعنی اروپا و نیز منطقه جنوب آسیا نیز قرار دارد. از سوئی دیگر بدلیل چالشهای ژئوپلیتیکی و رقابت دو منظومه رقیب طرفین آن یعنی اتحادیه اروپا و شانگهای و نیز منظومه مداخله گر یعنی آمریکا قادر به یکپارچگی و انسجام نخواهد بود و به تداوم گسستگی و تجزیه و یا گرایش اعضای آن به سمت منظومه های پیرامونی و یا مداخله گر و نیز پایداری بحران در آن خواهد انجامید. از اینرو برای توسعه نقش موثر منطقه ای جنوب غرب آسیا در جهان، این منطقه ناگزیر است از توسعه تنش و یا غلطیدن کامل به سمت یکی از منظومه های مزبور خودداری نموده، و در نقطه مقابل تلاش کند روابط حسنه و متوازن، همراه با همکاری و تعامل سازنده را در پرتو گفتگوهای توجیه کننده و یا انتقادی با منظومه های پیرامونی و نیز منطقه جنوب آسیا و حتی منظومه مداخله گر انجام دهد. در رابطه با منطقه جنوب آسیا نکته قابل ذکر اینست که، از نظر موقعیت ژئوپلیتیکی این منطقه از سوئی بین دو منظومه شانگهای و نژاد زرد قرار گرفته و از سوئی دیگر خود در تکاپوی کسب هویت مستقل و ایفای نقش در ساختار ژئوپلیتیک در حال ظهور جهان می باشد. ولی بدلیل چالشهای ژئوپلیتیکی درون منطقه ای و نیز فقدان پتانسیلهای لازم برای نقش آفرینی در قالب یک منظومه مستقل، مصلحت آن ایجاب می کند که همچون منطقه جنوبغرب آسیا تلاش کند روابط حسنه و متوازن، و نیز همکاری و تعامل سازنده با منظومه های شانگهای و نژاد زرد و مداخله گر و نیز منطقه جنوبغرب آسیا را توسعه دهد.

**۵. منظومه یا حلقه نژاد زرد:** این حلقه بر بخش شرقی و جنوب شرقی آسیا انطباق دارد و قلمرو جغرافیایی نژاد زرد را در بر می گیرد. ماهیت و کارکرد عمده این حلقه در حال حاضر اقتصادی است و بازیگران اقتصادی بزرگ جهان نظیر چین، ژاپن، کره جنوبی و منطقه آسه آن را شامل می شود. این حلقه در تکاپوی یکپارچگی بوده و در صدد تشکیل جامعه شرق آسیا می باشد. بخش پیرامونی این حلقه را اقیانوسیه و آسیای جنوبی تشکیل می دهد که منطقه اقیانوسیه به آن تمایل بیشتری دارد. این حلقه در صورت کامل شدن میتواند از قدرت فوق العاده ای در جهان برخوردار شود و با نقش موثر و حضور چین بعنوان قدرت اقتصادی، نظامی، فنی، علمی و تکنولوژیک رو به رشد و نیز ژاپن و اعضای آسه آن در آن تغییر ماهیت داده و به یک منظومه بسیار قدرتمند سیاسی، نظامی، اقتصادی، علمی و تکنولوژیک تبدیل شود که نه تنها سایر منظومه های آمریکائی، اروپائی و اوراسیائی را به چالش بکشد، بلکه پس از پنج قرن باعث تغییر مرکز ثقل جغرافیائی قدرت در جهان شده و آنرا به شرق آسیا منتقل نماید.

**۶. منظومه یا حلقه اقیانوس آرام:** این حلقه بزرگترین حلقه و بزرگترین سازه ژئوپلیتیکی آب پایه جهان را تشکیل می دهد. در این حلقه سازمان منطقه ای آپک با عضویت کشورهای دو سوی اقیانوس آرام و مرکب از سه قاره آسیا، آمریکا و اقیانوسیه بوجود آمده است. هویت و کارکرد آن اقتصادی است و بخش مرکزی و پیرامونی آن از یکپارچگی سازمانی (آپک) برخوردار می باشد. این حلقه سطح تلاقی دو بخش اصلی ساختار ژئوپلیتیکی در حال ظهور جهان را تشکیل می دهد. به عبارتی عناصر اصلی و بازیگران عمده هر دو بخش ساختار، در آن عضویت دارند و کشورهای ساحلی آن را تشکیل می دهند. یعنی روسیه و چین از بخش شرقی ساختار، با آمریکا و کانادا از بخش غربی ساختار در آن حضور دارند. تنها بازیگران ساحل نشین اقیانوسهای اطلس و هند در آن حاضر نیستند. بدین ترتیب حلقه اقیانوس کبیر و آپک می تواند نقش دوگانه ای از حیث همکاری یا رقابت بازی کند. به عبارتی بصورت قلمرو همگرایی و واگرایی برای اجزاء، عناصر و بازیگران اصلی هر دو بخش ساختار ژئوپلیتیکی جهان عمل نماید.

- سخن آخر اینکه، منظومه ها و حلقه های شانگهای و منطقه نژاد زرد و حاشیه شرقی اقیانوس کبیر (آپک) در قلمرو کنترل و نفوذ بخش شرقی ساختار ژئوپلیتیکی، و حلقه های اتحادیه اروپا، ناتو، آمریکا (نفتا)، و حاشیه غربی اقیانوس آرام در قلمرو کنترل و نفوذ بخش غربی ساختار مزبور که با یکدیگر رقابت می کنند قرار می گیرند. علاوه بر این، ترتیب فضایی حلقه های مزبور تناوبی است. بدین معنی که حلقه های مزبور با هویت و کارکرد متفاوت اقتصادی و یا سیاسی - امنیتی بطور یک در میان در کنار یکدیگر قرار گرفته اند.

منبع: حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.